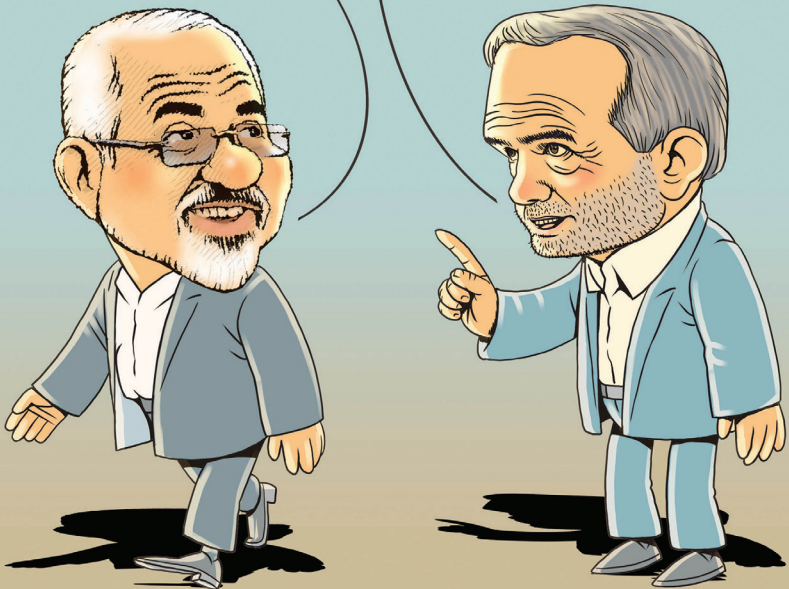




نرو جواد نرو!

وقتی قراره مذاکره نکنی
خب با یه مخالف مذاکره
وفاق کن مسعود!



J A M A L

ماهی قرمز کوچولو

درباره عکسی از فروش ماهی قرمز یا گلد فیش

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

روزهای عمر مثل برق و باد می‌گذرد. یک سال دیگر هم گذشت و به آرزوهایمان نرسیدیم. ناشکری نمی‌کنم اما انگار خدا آمیزد را ساخته که ناراضی باشی. از همان روزی که پدرمان رضه رضوان به دو گندم بفروخت دیگر این بنی بشر رنگ آرامش و آسایش به خود ندید که نندید. البته کسی چه می‌داند شاید حکمت این عالم یا قدر الهی همین بوده که ما به این دنیا بیاییم، پنج بربیم و روزی هم رقیق رحمت را سر بکشیم... اصلاً شاید همین ناراضی بودن و بیشتر خواستن است که باعث و بانی رشد و پیشرفت‌مان می‌شود. حالا اینکه «پیش کدام رفتی» را شما بهتر از من می‌دانید. شده ام مثل این پیر مردهای غرغروبی که عصر به عصر چهارپایه آهنی شان را بر می‌دارند و دم خانه می‌نشینند و به زمین و زمان فحش می‌دهند. اما یکی به من بگوید مگر همین دیروز نبود که چهارشنبه‌سوری بود و زردی خودمان را به آتش دادیم و سرخی اش را گرفتیم؟ مگر همین دیروز نبود که دور سفره هفت‌سین نشستیم و حول حالنا الی احسن الحال خواندیم؟ مگر همین دیروز نبود که از دستفروش کنار خیابان ماهی قرمز کوچولو خریدیم و فرارسیدن نوروز باستانی را به جشن نشستیم؟ روزها گذشت... روزهای سخت و عجیبی هم گذشت، اما یک لحظه به عقب نگاه کنی، چشم بر هم زدیم و به خودمان آمدیم و دیدیم دوباره دستفروش‌ها توی پیاده‌رو آکواریم گذاشته‌اند و گلد فیش‌ها را میهمان خانه‌هایمان می‌کنند. حالا دوباره وقت آن رسیده که طرفداران و کارشناسان محیط زیست پایشان به صفحات روزنامه‌ها باز شود و در مذمت نگهداری و خریدن ماهی قرمز سخنرانی کنند. وقت آن رسیده بیایند و بگویند این نوع خاص از ماهی چنان سخت‌جان است که هیچ رقمه نمی‌میرد و اگر خدایی ناکرده هوس کنی بعد از مراسم نوروز به رودخانه و دریاچه بسیار پیدشان پدر صاحب بچه که اوسیس‌تیم را در می‌آورد و چه چه. خدا می‌داند نگارنده که من باشم آدمی بددغه‌ای نیستم. حتی خیلی وقت‌ها فیلتر سیگار یا آدامس جویده ام را توی دستمال می‌پیچم و در جیبم می‌گذارم که مبادا چیزی خسته محیط زیست ترکش بیشتر شود. اما یکی بیاید به من خسته‌دل بی‌سر و سامان بگوید این ماهی قرمز که شاید چند روز رنگ زندگی به خانه‌ام می‌بخشد آرزای به می‌کمی رسد؟ اصلاً این ماهی قرمز که هر سال همه‌جوره هوایش را داشتیم، غذایش را به موقع دادم. آب‌بی کلرش را به وقت عوض کردم اما سیزده نشده روی آب آمد و دل سنگ مرا همچون رنگش سرخ کرد مگر اصلاً زنده می‌ماند که بخواید به محیط زیست آسیب برساند؟



عکس: مجتبی محمدی / ایرنا

تاجر همیشه مقروض

درباره وضعیت اوکراین
و به بهانه یادداشت سردبیر

مجتبی محکم

روزنامه‌نگار

پیش از ورود به بحث، از استاد عزیزم محمدجواد روح، تشکر می‌کنم که این مجال

را برای من فراهم کردند تا بتوانم در نقد یادداشت ایشان با عنوان «دیوار کوتاه رلنسکی» مطلبی بنویسم. اشتباه‌های رلنسکی و به‌طور کلی اوکراین در نحوه تعامل با روسیه مربوط به امروز و دیروز نیست و این کشور در طول عمر کوتاهش از زمان استقلال از شوروی سابق تاکنون، در موارد متعددی تصمیم‌های نادرستی داشته که امروز با ظهور ترامپ دوم، علنی شده است. به بیان دیگر، وضعیت اوکراین همچون حال و روز تاجری است که برای سرپا نگه داشتن تجارت و رشک‌شسته‌اش، مداوماً خود را مقروض اطرافیان کرده، اما اکنون وارث یکی از همین قرض‌دهنده‌ها پیش از آنکه خاک پدر را از رخت عزا پاک کند، ناگاه از گرد راه رسیده و نقد خود را از آن تاجر طلب کرده است. این بستانکار گستاخ اما چون پاسخ مطلوب نمی‌شود، حرمت نگه نمی‌دارد و آبرویی برای آن تاجر نگویند بخت باقی نمی‌گذارد. بنابراین، نباید نادان اوکراین به جنگ با روسیه در سال ۲۰۲۲ از اولین مرحله از مقابله دو کشور فرض کنیم، بلکه باید ریشه این تقابل را در روندی جست‌وجو کنیم که در طول سال‌های متمادی ادامه داشته و اکنون کار اوکراین را به اینجا کشانده است. اولین اشتباه اوکراین در ارتباط با روسیه، به سال‌های اول ایجاد آن بازمی‌گردد؛ زمانی که سلاح‌های هسته‌ای باقی‌مانده از شوروی سابق را به روسیه تحویل داد. در آن زمان البته هنوز روسیه نتوانسته بود از گرد و خاک‌های حاصل از فروپاشی شوروی سابق، بیرون بیاید و اوکراینی‌ها با این خیال که روسیه هرگز علیه آنان اقدامی نخواهد کرد، سلاح‌های هسته‌ای را تحویل دادند. با اینکه در آن هنگام، غرب به رهبری آمریکا به اوکراین بابت تحویل این سلاح‌ها تضمین‌های دفاعی و امنیتی داد، اما از همان زمان معلوم بود که اگر تقابلی میان اوکراین و روسیه رخ بدهد، این تضمین‌ها نمی‌تواند برای اوکراین کاری انجام دهد؛ از این‌رو در همان دوران بودند کسانی که این تقابل احتمالی را پیش‌بینی می‌کردند و تحویل این سلاح‌های حساس به روسیه را نادرست می‌دانستند. از مشهورترین این اشخاص در آن زمان، جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه شیکاگو بود که در سال ۱۹۹۳ در مقاله‌ای نظر مخالف خود را در این زمینه مطرح کرد. اشتباه بعدی اوکراین در سال ۲۰۰۸ رخ داد، هنگامی که این کشور رسماً درخواست خود برای پیوستن به ناتو را مطرح کرد، بدون اینکه در نظر داشته باشد این درخواست می‌تواند نگرانی جدی روسیه را برانگیزد؛ روسیه‌ای که با رهبری پوتین نتوانسته بود دوران ضعف پس از فروپاشی شوروی را پشت سر بگذارد و مقتدرانه به عرصه بین‌المللی بازگردد. با این حال، به‌رغم نگرانی‌های جدی روسیه در زمینه تلاش اوکراین برای نزدیک شدن به ناتو و اتحادیه اروپا، این کشور همچنان بر خواسته‌های خود پافشاری کرد که این نهایتاً در سال ۲۰۱۴ به مداخله آشکار روسیه انجامید و جدا شدن شبه‌جزیره کریمه از اوکراین و پیوستن آن به روسیه را به دنبال داشت. در همه این سال‌ها، اشخاصی همچون مرشایمر، به اوکراین هشدار می‌دادند که ادامه این رفتارها به نفع این کشور نیست و نتیجه‌ای جز حساسیت روسیه در پی نخواهد داشت. البته این هشدارها در اوکراین و حتی اروپا و آمریکا گوش شنوایی نمی‌یافت. یادآوری این نکته نیز ضروری است که اوکراین اقلیت قابل توجهی روس‌تبار دارد که اکثر آنها در مناطق استراتژیک این کشور یعنی مرز روسیه و شبه‌جزیره کریمه و سواحل دریای سیاه ساکن هستند که این وضعیت همواره وحدت سرزمینی اوکراین را مورد خدشه قرار داده است. با اینکه در سال‌های اولیه استقلال اوکراین به این اقلیت توجه می‌شد و حتی در اوکراین جمهوری اوکراین از میان روس تباران شدن به ناتو و اتحادیه اروپا، وجود همین اقلیت روس که فرصتی برای تطبیف رابطه اوکراین با روسیه بود، به عاملی برای تهدید این رابطه مبتدل شد. در واقع روی کار آمدن رلنسکی در سال ۲۰۱۹ در شرایطی رخ داد که در طول سال‌های بعد از جدایی شبه‌جزیره کریمه تا آغاز جنگ تمام‌عیار روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه از شبه‌نظامیانی که در برخی مناطق روس نشین اوکراین فعالیت می‌کردند حمایت می‌کرد و البته هشدار می‌داد که پیوستن اوکراین به ناتو را تحمل نخواهد کرد؛ چرا که این مسئله را «تهدید وجودی» تلقی می‌کند و باز هم در همین دوره اشخاصی همچون مرشایمر، در این باره هشدار می‌دادند. به بیان دیگر، مردم اوکراین به صورت عام و رلنسکی به‌صورت خاص، نمی‌توانند از بار مسئولیت اصرار خود برای پیوستن به ناتو شانه خالی کنند چرا که هشدارهای لازم را در این باره دریافت کرده بودند. البته باید به این نکته اشاره شود که به لحاظ حقوقی، این حق مردم یک کشور است که برای پیوستن به یک پیمان منطقه‌ای یا جهانی تصمیم بگیرند، اما واقعیت مناسبات سیاسی این است که دستیابی به «حق» بدون داشتن پشتوانه «قدرت» واقعیت پیدا نمی‌کند. موضوع دیگری که باید مورد توجه باشد این است که گرچه اشخاصی همچون مرشایمر به سبب داشتن دیدگاه مستقل علمی نمی‌توانند در رسانه‌های جریان اصلی حضوری بر جسته داشته باشند، اما وظیفه دولت‌مردان یک کشور این است که در اتخاذ تصمیم‌های خود به دیدگاه همه کارشناسان توجه کنند و خود را به گروهی خاص که معمولاً دارای گرایش‌ها و منافع سیاسی هستند، محدود نسازند و از محتوای رسانه‌های اجتماعی نیز برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری استفاده کنند. بنابراین، رلنسکی به نمایندگی از مردم اوکراین در کوتاه ماندن دیوارش مسئول است و همین وضعیتی است که او را در موقعیت فتنه‌ای قرار داده که هر رهنگری را بر پای زدن و سوسه می‌کند. البته رهنگران عرصه سیاست که او را مورد نوازش قرار می‌دهند باید به این نکته بیندیشند که ممکن است اسکن روزی خود در چنین موقعیتی قرار گیرند و دست نامرد روزگار آنان را نیز نوازش کنند.

به فساد دیش شده است. صرف نظر از اینکه آیا قصوری متوجه آنها بوده یا نه، موارد متعددی از قصور مدیران ارشد می‌توان برشمرد که موجب ضرر میلیاردها دلاری به کشور و جیب مردم شده. اما آیا همه این موارد رسیدگی شده و برایشان حکمی صادر شده است؟ نمونه‌اش دیروز در مجلس بررسی شد؛ عملکرد یک وزیر چهل درصد افزایش قیمت ارز را به دنبال داشته، اگر از کارنامه این مدیر و تأثیرش در افزایش قیمت ارز در زمان ریاست بانک مرکزی صرف‌نظر کنیم یا ماجرای کرسنت و عملکرد وزیر وقت که با وجود میلیاردها دلار ضرر به کشور پس از سال‌ها همچنان مفتوح است. صرف‌نظر از اینکه این دو وزیر در کشف فساد دیش پیش قدم هم بوده‌اند، شائبه سیاسی بودن احکام اخیر (که در برخی محافل مطرح شده)، با جریان انداختن امثال این پرونده‌ها است که مرتفع خواهد شد.

ضابط پاسخگو باشد

تیتربیک روزنامه جوان در روز چهارشنبه‌ها اگر چه در حمایت از قوه قضائیه بود، اما در نیم‌تای پایین صفحه اول این روزنامه یادداشتی به قلم دبیر سرویس اجتماعی چاپ شده بود که جالب توجه است. در این یادداشت آمده بود: «۲۴ جلسه فشرده در کمتر از ۱۶ ماه زمان برد تا پرونده موسوم به دیش به رأی برسد. این رسیدگی فوری که قوه قضائیه خیلی از بابت آن برای خود به درستی زست مبارزه بدون اغماض با فساد گرفت، ایهاماتی دارد. فارغ از بررسی محتوای پرونده که طبیعتاً در دسترس عموم یا حتی خواصی همچون جامعه حقوقی هم نیست، پیگیری اخبار قضایی در همین ۱۶ ماه گذشته، پدیدآورنده این ایهامات است. پاسخ درست به این ایهامات، کار درست قوه قضائیه را در رسیدگی فوری و بدون اغماض به دیش تکمیل می‌کند. مطابق شنیده‌ها، ضابط پرونده دیش، وزارت اطلاعات بوده است. همین ضابط از وزاری که اکنون در پرونده دیش محکوم شده‌اند، به خاطر پیشگامی در جلوگیری از استمرار فساد و همکاری شان در برخورد با فساد دیش، تقدیر به عمل آورده است. چگونه وقتی ضابط پرونده از این وزرا تقدیر کرده است، دادگاه همان‌ها را محکوم کرده است؟! یا باید پذیرفت و ثابت کرد تقدیر ضابط بلاوجه بوده و باید با آن هم برخورد کرد، یا اینکه ناچار باید پذیرفت رأی صادره لاف‌اقل پیرامون وزرای دولت سیزدهم، بیشتر سیاسی است تا حقوقی و مبارزه بدون اغماض با فساد.»

هیچ‌گاه تسلیم باندهای قدرت نشد

روز گذشته یادداشتی به قلم فردی به نام مرتضی فیروزآبادی نیز منتشر شد که گفته می‌شود یکی از معاونین کمیته امداد است. در این یادداشت آمده بود: «دکتر سیدرضا فاطمی امین را بیش از ۱۵ سال می‌شناسم و چندسال هم توفیق همکاری از نزدیک با ایشان را داشته‌ام. به یقین ایشان یکی از پاک‌دست‌ترین و خوش‌فکرترین و به‌ویژه شجاع‌ترین مدیران جمهوری اسلامی ایران است. فراتر از اینکه ایشان هیچ‌گاه تسلیم فشارهای باندهای قدرت و ثروت نشده و در مدیریت و تصمیم‌گیری ملاحظه‌کسی را نکرده است؛ حتی اگر هزینه‌های سنگینی مثل استیضاح و پرداخت کرده باشد، محکومیت ایشان در پرونده گروه دیش، با این شرح که «وزیر می‌توانست نظارت بیشتری داشته باشد و از فساد پیشگیری کند» به معنای توسعه حد اکثری حیطة مدیریت مستقیم وزیر و سخت‌گیری حداکثری قوه قضائیه در مفهوم مبهم ترک فعل است. مهم‌ترین اشکال به این برداشت وسیع و سختگیرانه، تبعیض قائل شدن بین مدیران در این پرونده و مهمتر از آن ده‌ها مسئله دیگر کشور است. اگر در پرونده گروه دیش، جرم وزیر صمت این است که می‌توانسته بیشتر نظارت کند، به طریق اولی مورد انتظار است که ده‌ها مدیر در سلسله‌مدیریت از وزیر تا سطح تصمیم‌گیری در وزارت صمت و مهمتر از آن مسئولان عالی و میانی بانک مرکزی (که مسئولیت مستقیم در موضوع ارز دارند) هم در همین پرونده محکوم می‌شوند.»

نقشی را در دولت پزشکیان ایفا کند که به این همه فشار منجر شد؟ بیان کرد: «کشور ما دچار چالش‌ها و ایر چالش‌ها، بحران‌ها و ابر بحران‌های جدی است که تعداد معدودی از جنس نازاری‌ها... برای مردم محسوس شده و تعداد بیشتر و فقرات مهم‌تر آن در آینده محسوس خواهد شد و نیازمند نگاه‌های فراهنگی و فراموضعی راهبردی است که یک توان ذهنی و اشراف نظری دقیق و خاصی می‌خواهد که من به جز آقای ظریف در دولت کنونی سراغ ندارم. تعداد نیروهای انسانی متخصصی که بتوانند طراحی‌های راهبردی کلان داشته باشند، بسیار کم است که با افراد دیگر که به دنبال اقدامات جاری و روزمره اند تفاوت بسیاری دارند. برای رفتن به سمت طراحی نوعی حل مسائل فراهنگی و فرامرزی کشور در افق‌های راهبردی به یک تیم در چه اولی (که خلا آن در دولت کاملاً محسوس می‌شد) نیاز بود. معاون سیاسی و بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست جمهوری تاکید کرد: «ظریف باید از مدار خارج می‌شد تا ضعف‌های دیگران دیده نشود.» کریمی در پاسخ به این سوال که موضع آقای پزشکیان درباره این استعفا چیست؟ گفت: «آقای پزشکیان در ابتدا با این برداشت آقای ظریف مخالف بود و با نظر آقای از‌های همراه نبود. تا جایی که شنیدم خواسته که ظریف برگردد اما شرایط داخلی دولت و حملات از خارج دولت در طول شش، هفت ماه گذشته به آقای ظریف، شرایط حمایت از ایشان را در چالش قرار داده است. ضمن آنکه آقای پزشکیان در ۷۲ ساعت گذشته موضع‌گیری علنی نکرده است و من شخصاً از این اقدام برداشتی مبنی بر عدم حمایت از ظریف دارم.»

او در پاسخ به این سوال که چرا دوگانه‌هایی درباره موازی کاری با وزارت امور خارجه مطرح می‌شد؟ آیا کار گروه ویژه دیپلماتیک در معاونت راهبردی ایجاد شده بود؟ گفت: «معاونت راهبردی چهار تا معاون داشت از جمله معاونت سیاسی و بین‌الملل، معاون اقتصادی زیربنایی، معاون اجتماعی و فرهنگی و راهبردهای ملی. وزن آقای ظریف در موضوعات بین‌المللی طبیعتاً معاونت سیاسی و بین‌الملل را بیشتر نمایان کرده است. اگر آقای طیب‌نیا معاون راهبردی باشد طبیعتاً موضوعات اقتصادی رنگ بیشتری به خود می‌گیرد. علی‌احمال قرار نبود که موازی کاری صورت بگیرد و ما جلسات هفتگی به صورت مرتب با چند معاونت وزارت امور خارجه داریم.»

کریمی تاکید کرد: «آقای ظریف یک وجه شخصی هم دارد که حاصل توانمندی و سابقه ایشان است. ایشان معاون راهبردی بود اما نه به این معنی که الزاماً تمام معاونان در یک سطح رفتار کنند. اظهار من الشمس است که به جای استفاده از این توانایی‌ها، بیشتر از آن می‌ترسیم و مرتب دنبال بحث‌های سطحی هستیم مثل اینکه به یک بازیکن خوب مانند رونالدو بگوییم که گل زن بگذارد بقیه هم گل بزنند.»